

نشانه‌شناسی الگوهای نامگذاری کتاب‌های تاریخ در زبان فارسی

محمدنبی خیرآبادی^۱ / ابوالقاسم رحیمی^۲

چکیده

یکی از راه‌های شناخت موقعیت و جایگاه یک متن و ارتباط با دنیای درون اثر، عنوانی است که پدیدآورنده اثر بر آن نهاده است و با مخاطبان، اثر را با آن نام می‌شناسند؛ از این رو دلالت عنوان به متن و متن به عنوان، اغلب دلالتی دوسویه است. هر چند، گاه به دلیل وجود عوامل فرامتنی در عنوان‌ها، این دلالت دوسویه دچار خدشه می‌گردد؛ از این رو شناخت اصول و الگوی حاکم بر این دلالت‌ها یکی از هدف‌های این پژوهش است. این مقاله به بررسی و تحلیل نشانه‌شناسی و الگوهای به‌کاررفته در نامگذاری کتاب‌های تاریخ از جنبه‌های مختلف می‌پردازد، با توجه به این نکته که در انتخاب عنوان، عواملی از قبیل موضوع، شرایط زمانی تولید متن و جنبه‌های زیبایی‌شناختی دخیل هستند. در این مقاله با انتخاب حدود یکصد کتاب تاریخ به نشانه‌شناسی و الگوهای حاکم بر نامگذاری این آثار در دوره‌های مختلف و عوامل مؤثر در این نامگذاری‌ها می‌پردازیم. این پژوهش به عوامل درون‌متنی اعم از ساختار و محتوای متن و همچنین به عوامل برون‌متنی از قبیل شرایط اجتماعی و فرهنگی‌ای که در انتخاب عنوان‌ها مؤثر بوده‌اند و الگوهای رایج نامگذاری می‌پردازد. همچنین عنوان‌ها از دیدگاه زبانشناختی و شیوه‌های بلاغی به‌کاررفته در آنها نیز بررسی می‌شوند تا تحول‌های نامگذاری در دوره‌های مختلف و الگوهای حاکم بر هر دوره و بسامدهای آن نشان داده شود و در پایان به آسیب‌شناسی و بیان اشکال‌های موجود در انتخاب عنوان‌ها اشاره شده است. واژگان کلیدی: نشانه‌شناسی، الگوهای نامگذاری، انتخاب عنوان، کتاب‌های تاریخ، عوامل درون‌متنی، عوامل برون‌متنی، آسیب‌شناسی عنوان‌ها.

Semiotics Nomenclature Patterns History Books in Persian Language

Mohammad Nabi Kheirabadi¹ / Abolgasem Rhimi⁴

Abstract

One of the ways of recognizing the status and position of a text and the relation with the inside world of a work is the title that a creator seals for the work and the audience recognizes it by the name; thus, implication of title to text and text to title is a bilateral implication. Since such a bilateral implication is tarnished due to the existence of meta-textual components in the titles, identifying the dominant principles and patterns on the implications is one of the objectives of this research. This article analyzes the semiotics and patterns in nomenclature of historical prose and verse books from various aspects. Regarding the fact that selecting a title entails involvement of components such as topic, temporal situation of text production and the aesthetic aspects, we investigate the semiotics and dominant patterns in nomenclature of historical texts in various periods and the effective factors in this nomenclature by mean of selecting 100 historical books. This research deals with the important intratextual components such as structure and content of text, and also the intertextual components such as socio-cultural situations effective in titles' selection, and the common patterns of nomenclature. Furthermore, the titles are analyzed in terms of linguistics and rhetorics so that nomenclature changes in different periods, the dominant pattern in each period and their frequency are signified. Finally, the pathology and the problems in selection of titles are indicated.

Keywords: Semiotics, Nomenclature Patterns, Selection of Title, History Books, Intratextual Components, Intertextual Components, Pathology of Titles.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری (نویسنده مسئول). این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری محمدنبی خیرآبادی از دانشگاه حکیم سبزواری با عنوان «بررسی و تحلیل عوامل تأثیرگذار بر نامگذاری (عناوین) هزار اثر برگزیده فارسی» است.

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری

3. Ph.D. Candidate of Persian Language and Literature Persian, Hakim Sabzevari University, kheirabadim@yahoo.com

4. Associate Professor, Department of Persian Language and Literature Persian, Hakim Sabzevari University, E-mail: mehrohagh@gmail.com

۱- مقدمه (نشانه‌شناسی)

بر اساس نظریه‌های زبانشناسی اولین ارتباط بشر با اطرافیان در مرحله اول با نامگذاری اشیاء، پدیده‌ها و غیره بوده است. زیرا در ساخت اول زبان، ابتدا واژه‌ها — که اغلب نیز نام‌ها بوده‌اند — شکل گرفته و سپس از ترکیب آنها عبارت‌ها و پیام‌ها ساخته شده‌اند. امروزه نیز اولین مرحله در هر نوع آشنایی، ارتباط و شناخت، از طریق دانستن مفهوم و کاربرد دقیق نام‌ها و عنوان‌ها به دست می‌آید که در حوزه مباحث «نشانه‌شناسی» قرار دارد. این دانش، به مثابه یک ابزار تحلیلی در علوم و حوزه‌های معرفتی متفاوتی به کار گرفته می‌شود و در هر رویکرد، مسیر متفاوتی را می‌پیماید. از بین همه حوزه‌ها، از نشانه‌شناسی بیشتر در مطالعه زبان استفاده می‌شود. همچنین نشانه‌شناسی، به مثابه ابزار تحلیلی در حوزه‌هایی چون مطالعات ادبی، ریاضیات، رایانه، روابط میان ماشین‌ها، معماری، سینما و تئاتر، نقاشی، رسانه، انسان‌شناسی، علوم اجتماعی، مطالعات سیاسی، مطالعه رفتارها و ارتباطات حیوانات، زیست‌شناسی و غیره کاربرد دارد.^۵ هر چند این مباحث در حوزه زبانشناسی با پرداخت و ساختار جدید در غرب مطرح شدند اما باید گفت مباحثی از این نوع از گذشته در بین علمای بلاغت شرق تحت عنوان «دلالت» که محوری‌تری مبحث در نشانه‌شناسی است، مطرح بوده است.

از نگاه زبان‌شناختی «نشانه‌های زبانی، صداهایی‌اند که انسان به وسیله دستگاه گفتار خود برای نشان دادن اشیاء، اشاره به رویدادها و دیگر ویژگی‌های جهان بیرون، پدید می‌آورد. از نظر سوسور، نشانه زبانی ارتباط یک شیء، یک نام یا پیوند یک مفهوم یا معنا و یک صورت آوایی است. بر این اساس هر نشانه زبانی، معنا را به صورت آوایی نشان می‌دهد.»^۶ از نظر سوسور زبان، نظام نشانه‌هاست و واقعیت کلیدی در این میان همانی است که او آن را ماهیت قراردادی زبان می‌نامد. مقصود دو چیز است. اول اینکه نشانه (واژه) ترکیبی است از یک صورت (دال) و یک معنا (مدلول) و رابطه صورت و معنا بر اساس قرارداد است نه شباهت ذاتی. از نظر سوسور زبان تنها یک «نظام نامگذاری» صرف نیست که نام‌های خود را بر مقولاتی که بیرون از زبان هستند بگذارد؛ بلکه ابتدا نظامی از مفاهیم شکل می‌گیرد و بر اساس قراردادهایی، نظامی از صورت بر آن کشیده می‌شود.^۷

۵. ایرنا ریما مکاریک، دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر، مترجم مهران مهاجر و محمد نبوی (تهران: انتشارات آگه، ۱۳۹۰)، ص

۳۲۶.

۶. مهیار علوی مقدم، «زبان ادبی و نظام نشانه‌ها»، مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس زبانشناسی نظری و کاربردی، به کوشش

سید علی میرعمادی، ج اول (تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۹)، ص ۳۴۱.

۷. جانانان کالر، نظریه‌های ادبی. مترجم فرزانه طاهری (تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۹)، ص ۷۸.

بر این اساس «نشانه‌شناسی، مطالعه نظام‌مند همه عواملی است که در تولید و تفسیر نشانه‌ها و یا در فرایند دلالت، شرکت دارند.»^۸ و از این رو نشانه‌شناسی عنوان‌ها که «به منزله کدی برای ورود به دنیای نشانه‌های هر اثر است»^۹ و یافتن رمزها و گدهای مستتر در آن و قوانین حاکم بر نشانه‌ها، امری لازم و ضرور به نظر می‌رسد. زیرا از نظر امبرتو آکو موضوع اصلی نشانه‌شناسی، نشانه نیست بلکه تأویل نشانه‌هاست.^{۱۰}

۱-۱- طرح مسئله (گذر از نشانه به متن)

یکی از نشانه‌های شاخص در حوزه آثار نوشتاری، عنوان‌ها هستند که در آن یک نشانه (دال) بر یک متن (مدلول) که خود مجموعه‌ای از نشانه‌هاست، دلالت دارد. این ارتباط دوسویه و نحوه شکل‌گیری آن موضوع اصلی این پژوهش است زیرا نشانه زبانی رابطه یک چیز و یک نام نیست، بلکه رابطه‌ای است بین یک مفهوم و یک الگوی صوتی که الزاماً به معنی مادی بودن آن نیست.^{۱۱} از اولین نامگذاری آثار نظم و نثر فارسی بیش از هزار سال می‌گذرد و در گذر زمان همانند دگرگونی‌های شعر و نثر فارسی، عنوان‌ها نیز به تبع تحول‌های فرهنگی و سیاسی دچار تحول شده‌اند که اهل کتاب به آن آگاه‌اند؛ اگرچه تا به حال به عنوان موضوع شایسته تحقیق و پژوهش، بدان پرداخته نشده است.

گزینش نام مناسب، زیبا و اثرگذار برای آثار نظم و نثر فارسی در موضوع‌های مختلف، از گذشته تا به امروز بخشی از فرایند تولید متن بوده است. طبیعی است که بعد از آفرینش هر اثر و یا تولید متن معمولاً شاعر یا نویسنده بر آن است که عنوان انتخابی‌اش در عین تناسب با محتوای اثر و برخورداری از زیبایی و رسایی، در انتقال محتوای اثر به مخاطب نیز موفق باشد. به‌طور طبیعی همیشه انتخاب عنوان و نام برای یک اثر از یک الگو و شرایط واحد پیروی نمی‌کند. همان‌گونه که عوامل و شرایط تولید آثار متفاوت‌اند، عوامل و زمینه‌های نامگذاری آثار نیز یکسان نیستند؛ به همین سبب در انتخاب عنوان‌های آثار نظم و نثر فارسی شاهد تنوع و گستردگی زیادی هستیم. با بررسی گذرای عناوین متون نظم و نثر فارسی در دوره‌های اول درمی‌یابیم که نوع انتخاب نام با سبک نگارش و جایگاه هنری آثار ارتباط مستقیم دارد. همان‌طور که ما از اولین نثرها و

۸. مکاریک، ص ۳۲۶.

۹. بابک احمدی، ساختار و تأویل متن (تهران: نشر مرکز، ۱۳۹۲)، ص ۱۱.

۱۰. همان، ص ۳۶۵.

۱۱. فرزانه سجودی، نشانه‌شناسی کاربردی (تهران: نشر علم، ۱۳۹۰)، ص ۱۴.

شعرها انتظار اثری متعالی را نداریم در نامگذاری‌های دوره اول نیز با توجه به نبود سابقه قبلی و گسست فرهنگی به واسطه تغییر خط و زبان، نویسندگان و شاعران از عنوان‌های ساده فارسی و یا عنوان‌های عربی استفاده می‌کنند؛ البته می‌توان برای استفاده از عناوین عربی دلایلی دیگر نیز ذکر کرد که در بخش‌های بعدی به آن اشاره می‌شود. اما به موازات تعالی و رشد شعر و نثر و یا سستی، تکلف و تقلید در آن، در نامگذاری‌ها نیز شاهد تعالی، ضعف، تکلف، تکرار و تقلید هستیم. با پیدایش تنوع و گستردگی در متن‌ها، نامگذاری آثار نیز ابعاد مختلفی پیدا می‌کند. برای بررسی و شناخت دقیق این دگرگونی‌ها باید آنها را در مجموعه‌ها و زیرمجموعه‌های مختلف تقسیم‌بندی کنیم تا شناخت ما دقیق و همه‌جانبه باشد. از طریق بررسی الگوها و زمینه‌های شکل‌گیری عنوان‌ها می‌توانیم به عوامل مؤثر و الهام‌بخش شاعران و نویسندگان در نامگذاری آثارشان پی ببریم و از خلال مطالعه در عنوان‌ها، زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و زیبایی‌شناختی را در نامگذاری آثار بشناسیم و به سبک‌شناسی خاص هر دوره و یا نوع ادبی در عناوین آثار آن دوره دست یابیم. همچنین می‌توانیم انگیزه‌های پنهان و احتمالی موجود در عنوان‌ها را در حد توان کشف کنیم و از همین رهگذر آسیب‌ها و اشکال‌های موجود و زمینه‌های شکل‌گیری این آسیب‌ها را بررسی کنیم.

۱-۲- ضرورت پژوهش

با در نظر گرفتن عنوان اثر به منزله کلید رمز ورود به دنیای یک متن و رمزگشایی از نشانه‌های درون آن، شناخت عنوان اثر در جایگاه یک نشانه و کشف رابطه آن با جریان شکل‌گیری متن ضرورت پیدا می‌کند. همچنین برای آگاهی کامل و دقیق از میراث گذشته ادبی و فرهنگی یک تمدن و فرهنگ باید همه ابعاد آن موشکافانه بررسی شود، تا بتواند در معرض قضاوت و نقد صحیح قرار گیرد. بر همین اساس پرداختن به موضوع عنوان‌ها در یک زبان و بررسی سیر دگرگونی‌های شکل‌گرفته در آن و نشان دادن عوامل مؤثر در این تحول‌ها می‌تواند راهگشای برخی پژوهش‌های اجتماعی، تاریخی، زبان‌شناختی و زیبایی‌شناختی قرار گیرد. با تحقیق در این موضوع می‌توان به برخی از سؤال‌های مخاطبان آثار کهن در مورد الگوها و قوانین حاکم بر نامگذاری، عوامل اثرگذار بر آن و دلایل تغییر و تحول الگوها، تا حدودی پاسخ داد و تأثیر متقابل ساختارها را بر یکدیگر و اثرگذاری ساختارهای کوچک در ساختارهای بزرگ و همچنین آثیر ساختارهای کلان نظام سیاسی و مذهب و غیره بر ساختارهای کوچک را که امری محسوس و بدیهی است، مورد بررسی قرار

داد.^{۱۲} این پژوهش در پی آن است که علاوه بر نشان دادن الگوها، به آسیب‌شناسی نامگذاری متون گذشته از قبیل تکرار، تناسب‌نداشتن عنوان با موضوع، تفاوت زبانی متن با نام اثر و غیره بپردازد؛ تا از این رهگذر آثار نظم و نثر، مورد نقد و ارزیابی دقیق قرار گیرند. بررسی الگوها و دگرگونی‌های نامگذاری آثار از آن جهت مهم است که ما را با ذائقه و سلیقه نویسندگان و مخاطبان این آثار در هر دوره‌ای آشنا می‌سازد. همچنین با «یافتن دلالت معنایی نشانه‌های اثر هنری و دانستن مناسبات درونی نشانه‌ها، درک ژرفای معانی اثر آسان می‌شود.»^{۱۳}

ما عموماً در بررسی متون، به عوامل و زمینه‌های تولید اثر از نظر شرایط تاریخی و سیاسی یا فرهنگی و اجتماعی و حتی روانشناختی توجه می‌کنیم؛ در حالی که به عناوین آثار که به نوعی خلاصه متن و در اغلب موارد بازتاب‌دهنده درون‌مایه اثر و عموماً معرف متن و از دیدگاه نظریه‌های نقد امروزی، خود یک متن هستند، توجه چندانی نداریم و در برخورد با نام آثار بدون توجه به عوامل مؤثر و انگیزه‌ها و دلایل صاحب اثر در شکل‌گیری آن، به راحتی از کنار آنها می‌گذریم. امروزه گاه در مواجهه با برخی از نام‌ها و عنوان‌های انتخابی برای متون کهن، پرسش‌هایی در ذهن خوانندگان و مخاطبان اثر شکل می‌گیرد که پاسخ به آنها در گروه شناخت عوامل درون‌متنی و فرامتنی مؤثر در نامگذاری خواهد بود. در این پژوهش به لایه‌های مختلف عنوان‌ها به عنوان یک نشانه پرداخته می‌شود: ۱- لایه زبانی و نحوی؛ ۲- لایه بلاغی؛ و ۳- لایه معنایی و مفهومی.

۱-۳- فرضیه‌های پژوهش

- ۱- عناوین عربی طولانی کتاب‌ها، به منزله چکیده‌های امروزی و نشانه زبان علمی غالب در جهان اسلام و میراثی از عربی‌نویسی نویسندگان ایرانی بوده است.
- ۲- بین ساختار زبانی و محدوده و دوره تاریخی متن از نظر ساختار واژگانی ارتباط مستقیم وجود دارد.
- ۳- نامگذاری کتاب‌های فارسی با زبان عربی ناشی از یک ضرورت زبانی و علمی و همچنین بیانگر جایگاه علمی و اجتماعی صاحب اثر بوده است.
- ۴- نظام سیاسی و دستگاه قدرت حاکم، نقش عمده‌ای در شکل‌گیری و ساختار عناوین متون تاریخی داشته‌اند.

۱۲. محمدرضا شفیعی کدکنی، «ساختار ساختارها»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۶۵ (بهار ۱۳۸۸)، ص ۹.

۱۳. احمدی، ص ۱۲.

- ۵- موضوع کتاب در انتخاب الگوی زبانی عنوان و نوع بلاغت به کاررفته در آن نقش برجسته‌ای داشته‌اند.
- ۶- مخاطبان و خوانندگان و گاه پژوهشگران در تغییر و تحول عنوان‌های آثار، نقش مؤثری داشته‌اند.
- ۷- استفاده از صنایع ادبی در نامگذاری متون تاریخی از سوی نویسندگان، بسیار مورد تأکید بوده است.
- ۸- عناوین کتاب‌های تاریخ از الگوهای زبانی خاص این آثار پیروی می‌کنند و واژگان خاص خود را دارند.
- ۹- تصنّف و تکلف موجود در نثر متن‌های تاریخ که ناشی از سبک انشای متکلفانه نویسندگان آنهاست، در نامگذاری مصنوع و متکلفانه این آثار مؤثر بوده است.

۱-۴- پیشینه پژوهش

با بررسی‌های انجام‌شده بر روی موضوع، تا کنون کتاب و پایان‌نامه‌ای که به‌طور مستقیم به این موضوع پرداخته‌باشد مشاهده نگردید. اغلب پژوهش‌های یافت‌شده به موضوع نامگذاری اشخاص یا مکان‌ها پرداخته‌اند و اندک کتاب‌های موجود نیز ترجمه‌هایی هستند که به کلیات پرداخته‌اند. مقاله‌های نوشته‌شده نیز عمدتاً کوتاه و یادداشت‌گونه‌اند و تنها اشاره‌ای گذرا و محدود به موضوع دارند؛ از همین رو پژوهش حاضر در پی آن است که با الگوهای ارائه‌شده به‌طور دقیق و فراگیر به تحلیل و بررسی ابعاد مختلف این موضوع بپردازد. در ادامه، تعدادی از پژوهش‌های صورت‌گرفته در این حوزه معرفی می‌گردد.

✓ عارف نوشاهی، «نامگذاری کتاب‌های فارسی شبه‌قاره هند»، ترجمه جلال حسینی، تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی، شماره ۱۶، ۱۳۶۹. این اثر، بسیار گذرا و تنها در هفت صفحه به این موضوع در مکان و زمان بسیار محدود پرداخته است.

✓ محمد اسفندیاری، «عنوان کتاب و آیین انتخاب آن»، آیین پژوهش، شماره‌های (۲، ۳، ۴)، ۱۳۶۹. در این اثر به اختصار به مبحث نامگذاری آثار غالباً امروزی اعم از ترجمه و تألیف پرداخته شده است.

✓ محمد مهیار، «نگاهی به معیارهای زیبایی‌شناسی در انتخاب نام کتاب‌ها»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۱۹. اردیبهشت ۱۳۷۸. مهیار تنها در دو صفحه به شیوه‌های نامگذاری کتاب‌های نثر معاصر اشاره کرده است.

۲- بحث و بررسی

۲-۱- الگوهای نامگذاری در متون تاریخی

با سقوط ساسانیان و تحولات ناشی از پیامدهای آن، خط پهلوی و زبان فارسی میانه به محاق رفتند و ایرانیان علاوه بر خلاً قدرت ملی با خلاً فرهنگی و ارتباطی در حوزه مکتوب روبه‌رو شدند و همه میراث مکتوب گذشته خود را در معرض نابودی یافتند. با تغییر زبان فارسی میانه به فارسی دری (نو) و انتخاب الفبای عربی به جای خط و الفبای پهلوی و پیامد طبیعی آن — جز در مواردی خاص — که گسست از میراث مکتوب و شفاهی قبل بود، ایرانیان هوشمندی از قبیل ابن مقفع بر آن شدند تا چاره‌ای برای این موضوع بیندیشند. اولین قدم در حفظ متون ارزشمند گذشته، ترجمه آنها به زبان عربی بود تا در صورت از بین رفتن صورت، محتوا و قالب حفظ گردد. این راهکار، مؤثر واقع شد و آثار زیادی از پهلوی به عربی ترجمه شدند.

با تغییرات صورت‌گرفته در خط و زبان فارسی و نو بودن هر دو و نبود حامی قدرتمند سیاسی، به شکل طبیعی این خط و زبان هنوز آمادگی رقابت با زبان عربی را به‌عنوان زبان غالب جهان اسلام با آن قدرت سیاسی و دینی، نداشت. در این دوره اغلب دانشمندان ایرانی آثار خود را به زبان عربی که جنبه بین‌المللی هم پیدا کرده بود، می‌نوشتند و در مواردی نادر که متنی به فارسی نوشته می‌شد دست به واژه‌سازی می‌زدند تا بر غنای زبان فارسی دری که هنوز آن استحکام لازم را برای بیان مفاهیم علمی نداشت، بیفزایند. برخی از واژه‌سازی‌ها در آثار فارسی نویسندگانی از قبیل ابوریحان بیرونی، ابوعلی سینا و ناصر خسرو در همین جهت ارزیابی می‌شود.^{۱۴} بر پایه دلیل ذکر شده، نویسندگان ایرانی همچون طبری، یعقوبی، بیرونی، رازی، ابن سینا و حتی نویسندگانی همچون دینوری، حمزه اصفهانی و ابوعلی مسکویه با اینکه دارای گرایش‌های شدید شعوبی‌گری بودند آثار خود را به عربی به نگارش درآوردند.^{۱۵} همچنین کتاب‌های علمی و تاریخی در قلمرو زبان فارسی تا قرن ۵ ق غالباً به زبان عربی نوشته می‌شدند؛ زیرا بر اساس نظریه «تمام‌تر بودن دلالت عربی» توجه برخی از وزیران و دبیران سلسله‌های ایرانی به زبان عربی به‌عنوان زبان اداری، حقوقی و حتی علمی بیشتر از زبان فارسی بوده است. برخی از نویسندگان ایرانی هر گونه تلاش برای بهره‌گیری از زبان فارسی را برای مقاصد علمی سرزنش می‌کردند؛ چرا که به باور آنان غنای واژگان و دقت

۱۴. محمدنبی خیرآبادی، مهیار علوی مقدم و احمد خواجه‌ایم، «بررسی فرایند واژه‌سازی در زادالمسافر ناصر خسرو»، متن‌شناسی

ادب فارسی، شماره ۳۰، (تابستان ۱۳۹۵).

۱۵. فاطمه صبوری، «پیشگامی تاریخ‌نگاران ایرانی تا قرن پنجم هجری»، مشکوه، شماره ۱۰۲ (بهار ۱۳۸۸)، ص ۱۱۱.

زبان فارسی از عربی کمتر بود.^{۱۶} برخی از نویسندگان هم زبان فارسی را فاقد فصاحت می‌دانستند و از فارسی‌نویسی در مقایسه با عربی‌نویسی با تعابیری چون رکاکت و فضحیت یاد می‌کردند^{۱۷} و اگر در دوره‌های بعد فارسی می‌نوشتند، از ترکیبات و امثال عربی بر آن زیور می‌بستند.^{۱۸} غلبه زبان تازی و عرب‌زدگی برخی از وزیران و منشیان همچون صاحب بن عباد باعث شد تا علاوه بر قرن سوم و چهارم، در قرن پنجم و ششم نیز همچنان غلبه با عربی‌نویسی باشد.

در موضوع نگارش کتاب‌های تاریخ در ایران پس از اسلام برخی از محققان معتقدند که الگو و سرمشق مسلمانان ایرانی و عرب در تاریخ‌نگاری، خداینامه‌ها هستند که عمدتاً در دوره ساسانیان جمع‌آوری شده بودند.^{۱۹} زیرا با «گسترده‌شدن قلمرو امپراتوری اسلامی و پیچیده‌تر شدن مناسبات سیاسی و اقتصادی، حکومت‌های مسلمان خود را نیازمند به بهره‌گیری از تجارب دیگر اقوام یافتند؛ که نزدیک‌ترین و بهترین الگوی موجود، نظام سیاسی و اداری ایران عصر ساسانی بود.»^{۲۰} مورخان ایرانی در نوشتن کتب تاریخی به دلیل به‌هم‌ریختن مرزهای ملی و هویتی و در معرض اتهام‌بودن از طرف قدرت سیاسی حاکم، ترجیح دادند که تاریخ سرزمین خود را در ترکیب با تاریخ انبیا و اسلام و مطابق با نگرش حاکمان عرب بنویسند.^{۲۱} بر همین اساس کتاب‌های تاریخی در حوزه جغرافیایی ایران تا قرن پنجم هجری همگی به عربی نوشته شده‌اند. از این رو، گردیزی، نویسنده زین‌الخبار، را باید آغازگر نگارش تاریخ به زبان فارسی بدانیم.^{۲۲} البته بنا به نظر برخی از پژوهشگران غربی «در زبان عربی قبل از اسلام نوعی از تاریخ‌نگاری وجود داشته که در زبان فارسی دیده نمی‌شده است و همین مسئله دلیل بر این است که تقریباً تمام ایرانیان مانند، طبری، دینوری و بیرونی علاقه داشتند

۱۶. احسان یارشاطر و شیمیل آنماری، *حضور ایران در جهان اسلام*، مترجم فریدون مجلسی، (تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۸۱)، ص ۲۹۹.

۱۷. محمدتقی بهار، *سبک‌شناسی* (تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۱)، ج ۲، ص ۳۶۳.

۱۸. در همین زمینه جرفادقانی، مترجم تاریخ یمینی، می‌گوید: «اهل خبرت و معرفت دانند که در لغت عجم مجال زیادت تأتقی نیست و عرصه عربیت فسحتی تمام و آنساعی کامل دارد.» و در ادامه معیار نویسندگی‌اش را آثار عربی خود می‌داند و می‌گوید: «اگرچه کُرّه پارسیم حرون است، مرکب تازی‌ام خوش رواست و اگرچه کسوت عجمه‌ام خَلق است، خَلّه عربیتم نیک نو است.» همان، ص ۳۶۳.

۱۹. عبدالحسین زرین‌کوب، *کارنامه اسلام* (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۰)، ص ۸۴.

۲۰. صبوری، ص ۱۱۰.

۲۱. سرنوشت ابن‌مقفع شاهدهی بر این مطلب است.

۲۲. تاریخ بلعمی به واسطه ترجمه بودنش نمی‌تواند به‌عنوان اولین تاریخ به زبان فارسی محسوب شود. و از کتاب التاریخ فی اخبار ولایة خراسان اثر سلامی بیهقی نیشابوری نوشته شده به سال ۳۰۰ ه ق نیز نسخه‌ای موجود نیست.

— و البته مجبور هم بودند — که آثار تاریخی خود را به عربی بنویسند.^{۲۳}
با رشد و گسترش شعر و نثر فارسی در حوزه‌های ادبی و علمی، در حوزه‌های دیگر نیز زبان فارسی جایگزین زبان عربی گردید اما عناوین آثاری که به فارسی نوشته می‌شدند در بیشتر موارد تا عصر مشروطه همچنان به زبان عربی باقی ماند.

۲-۲- لایه‌های زبانی و نحوی عنوان‌ها

با توجه به اولویت مباحث زبانی در بررسی نشانه‌شناسی متون، و طبق نظریهٔ رولان بارت که «هیچ نظام دلالت معنایی بدون زبان‌شناسی شناختی نیست.»^{۲۴} اولین بخش پژوهش را به بررسی عناوین کتب تاریخ از منظر الگوهای زبان‌شناختی اختصاص می‌دهیم و در مراحل بعد از نظر زیبایی‌شناختی و دلالت، عنوان‌ها را بررسی می‌کنیم.

در این بخش با انتخاب میزان مشخصی از کتاب‌های تاریخی (یکصد اثر)^{۲۵} به تجزیه و تحلیل عنوان آنها می‌پردازیم. با بررسی در عنوان‌ها از نظر ساختار و بافت نام‌های برگزیده شده برای این کتاب‌ها، بسامد هر یک به صورت نتایج آماری نشان داده می‌شود.

۲-۲-۱- عناوین فرد (تک‌واژه‌ای): این ساختار نشانه‌ای غالباً برای تاریخ‌هایی که به صورت تک‌نگاری نوشته شده‌اند، انتخاب شده است و به خاطر محدودبودن موضوع به یک شخص، مکان و یا سلسلهٔ خاص، عنوان نیز به یک واژه محدود شده است. ساختمان صرفی عنوان برگزیده، یک واژهٔ مرکب است که از نظر مؤلف این تک‌نشانه دلالت لازم را بر محتوای اثر داشته است و این دلالت عمدتاً صریح و بی‌ابهام است. در این موارد امکان استفاده از واژهٔ تاریخ نبوده است و به جای آن از ترکیب (اسم+نامه) استفاده شده است.^{۲۶}

۲۳. برتولد اشیپولر، «تکوین تاریخ‌نگاری ایران.» تاریخ‌نگاری در ایران (مجموعهٔ مقالات) ترجمه و تدوین یعقوب آژند، (تهران:

نشر گستره، بهار ۱۳۶۰). ص ۱۵

۲۴. احمدی، ص ۱۳.

۲۵. در گزینش عناوین متون تاریخی تاریخ ادبیات دکتر صفا، سبک‌شناسی بهار و فرهنگ ادبیات فارسی محمد شریفی و چندین اثر دیگر مبنای کار بوده است که تقریباً تمام مجازات آنها یک بار مرور شده است و در موارد زیادی به متن و یا مقدمه اثر مراجعه شده است که به خاطر محدودیت مقاله ارجاع به تک تک موارد ممکن و ضروری به نظر نمی‌رسد.

۲۶. برای مستندبودن گروه آماری پژوهش، تمام عنوان‌ها در مرحلهٔ ساختار زبانی معرفی شده‌اند و تکرار آنها در مراحل بعد به ضرورت نگاه چند وجهی بوده است.

جدول شماره ۱- عنوان‌های کوتاه تک‌واژه‌ای

متون تاریخی نظم	متون تاریخی نثر
تمرنامه (هاتفی)، سلجوق‌نامه (قانعی)، ظفرنامه (حمداله مستوفی)، چنگیزنامه (احمد تبریزی)، اسماعیل‌نامه (عبدالله هاتفی)	عباسنامه (میرزا محمدطاهر)، اکبرنامه (علّامی)، شرف‌نامه (شرفخان بدلیسی)، شاهجهان‌نامه (محمدصالح)، شاهرخ‌نامه (قاسمی گنابادی)، فارسنامه (ابن بلخی)، جهان‌آرا (وقایع‌نگار)، سلجوق‌نامه (ظهیری نیشابوری)

الگوی زبانی این عنوان‌ها برگرفته از عنوان متون پهلوی مانند *خدا/ینامه*، *تاج‌نامه* و *آیین‌نامه* است که در دوره بعد از اسلام الگوی نامگذاری شاهنامه و تمام آثار حماسی بعدی گردید و بعد از آن به تصور تاریخی بودن متن شاهنامه برای متون تاریخی نیز استفاده شد.

۲-۲-۲- عناوین دوبخشی (اضافی): در عنوان‌هایی که ساختار آنها به صورت ترکیب وصفی یا اضافی است، هدف، دلالت دقیق‌تر به محتوا است اما با اضافه شدن صفت یا مضاف‌الیه در موارد زیادی نه تنها به دلالت مستقیم نمی‌انجامد که به ابهامات بیشتر نیز دامن می‌زند.

۲-۲-۲- ترکیب‌های وصفی و اضافی بدون لفظ تاریخ (غیر صریح). در این الگو اغلب نشانه‌ها دلالت استعاری دارند و مفهوم استعاره‌ها نیز از موضوع اثر و گاه از کلیت اثر باید استنباط شود.

جدول شماره ۲- عنوان‌های ترکیب اضافی و وصفی بدون لفظ تاریخ

عناوین ترکیب وصفی و اضافی بدون استفاده از لفظ تاریخ
مواهب الهی (معین‌الدین یزدی)، خلد برین (محمدیوسف قزوینی)، هشت بهشت (ادریس بتلیسی)، ذره نادره (استرآبادی)، عمل صالح (محمد صالح کنبو)، گلشن ابراهیمی (محمد قاسم استرآبادی فرشته)، مآثر رحیمی (میرعبدالباقی)، مآثر سلطانیه (دنبلی)، دستور شهریاران (ابراهیم نصیری)، نامه خسروان (جلال‌الدین میرزا)، طبقات ناصری (منه‌اج‌الدین سراج)، روضه الطاهرین (محمدطاهر سبزواری)، عالم‌آرای نادری (محمد کاظم)، جهانگشای نادری (استرآبادی)، طبقات اکبرشاهی (نظام‌الدین هروی)، طبقات شاهجهانی (محمدصادق همدانی)، افصح‌الخبار (محمدباقر عنایت)، زین‌الخبار (گردیزی)، مرآت‌العالم (محمد بختاور خان)، خزاین‌الفتوح (دهلوی)، تجارب‌السلف (هندشاه)، مجمل فصیحی (فصیح خوافی)، عالم‌آرای امینی (امین‌الدین فضل‌الله)، صفة‌الصفاء (ابن‌بزاز)، مختصر مفید (محمد مفید)، رساله مجدیه (مجدالملک)، معدن اخبار احمدی (احمدبن بهیل)، تحفة‌الآخر (میرزا محمد مشهدی)، برهان فتوح (محمدعلی حسینی نیشابوری)، لب لباب (حاجی محمدقلی خان قاجار)، تحفة‌العالم (ابوطالب فندرסקی)، قصص الخاقانی (ولی‌قلی شاملو)، روضه‌الصفویه (میرزا حسن جنابادی)، فتوحات امینی (صدرالدین امینی)، فتوح‌السلطین (عصامی نظم)، ۳۵ مورد.

۲-۲-۲- الگوی ترکیب نحوی فارسی (تاریخ + اسم) در اغلب موارد دلالت صریح است؛ به جز در مواردی که دلالت به نویسنده برمی‌گردد نه به محتوا.

جدول شماره ۳- عنوان‌های ترکیبی با لفظ تاریخ

عناوین با ساختار (تاریخ+اسم)
تاریخ برامکه (هروی)، تاریخ سیستان (نامعلوم)، تاریخ طبرستان (ابن اسفندیار)، تاریخ بیهق (علی بن زید)، تاریخ گزیده (مستوفی)، تاریخ همایونی (ابرهیم ابن جریر)، تاریخ بلعمی (بلعمی)، تاریخ بیهقی (بیهقی)، تاریخ حزین (حزین)، تاریخ غازان (کاشانی به نظم)، تاریخ الفی (شیخ احمد نقوی)، تاریخ حقی (عبدالحق دهلوی)، تاریخ سلطانی (سید حسن بن مرتضی)، تاریخ جهانگشا (جویی)، تاریخ گیتی‌گشا (صادق اصفهانی)، تاریخ عالم‌آرای عباسی (اسکندریبگ ترکمان)، تاریخ‌نامه هرات (سیفی هروی)، تاریخ عباسی (میرزا محمدطاهر)، تاریخ منتظم ناصری (اعتمادالسلطنه)، تاریخ ذوالقرنین (شیرازی)، تاریخ مفصلی (مفضل خان)، ۲۱

۲-۲-۲-۳ الگوی نحوی عربی (اسم + التواریخ): در این الگو دلالت، بسیار کلی و عام است و فقط محتوای تاریخی متن قابل دریافت است.

جدول شماره ۴- عنوان‌های با ساختار ترکیب عربی (اسم + التواریخ)

عناوین با ساختار (اسم+التواریخ)
احسن‌التواریخ (روملو و الخکی)، ناسخ‌التواریخ (سپهر)، زینة‌التواریخ (تبریزی)، اصح‌التواریخ (محمدبن فضل‌الله)، جامع‌التواریخ (رشیدالدین فضل‌الله)، زبدة‌التواریخ (حیدر رازی و دهلوی)، اکسیرالتواریخ (اعتضادالسلطنه)، نظام‌التواریخ (بیضاوی)، فردوس‌التواریخ (ابرقویی و بسطامی)، منتخب‌التواریخ (نطنزی)، خلاصه‌التواریخ (قاضی احمد)، مجمل‌التواریخ (گلستانه)، سراج‌التواریخ (کاتب هزاره)، لب‌التواریخ (یحیی قزوینی)، افضل‌التواریخ (میرزا افضلی).

۲-۲-۳- عناوین طولانی: روی آوردن نویسندگان به اطناب و توصیف‌های شاعرانه در کتاب‌های تاریخ که با رعایت تناسب‌های لفظی و آوردن مترادفات همراه بود، نثر را به سمت تکلف و تصنع سوق داد. رواج این سبک نگارش به عناوین برخی از این آثار نیز سرایت کرد. در این عنوان‌ها معمولاً با اضافه کردن یک ترکیب عطفی، متممی و یا جار و مجرور، نویسنده به دنبال معرفی دقیق محتوا و رفع ابهام از عنوان اثر است اما در بیشتر موارد به دلیل توجه زیاد به ایجاد تناسب لفظی و موسیقایی در عنوان اثر و انتخاب واژگان نامأنوس — که برای نشان دادن فضل و دانش و عربی‌دانی نویسنده بوده — جنبه دلالتی صریح خود به متن را از دست داده است. در مواردی معدود عربی‌بودن برخی از این عنوان‌ها را می‌توان در حکم ترجمه چکیده اثر به حساب آورد که خود میراثی از دوره تسلط و نفوذ زبان عربی و عربی‌نویسی در قلمرو زبان فارسی است.

جدول شماره ۵- عنوان های طولانی

نویسنده	عنوان
(عبدالله شیرازی / وصاف الحضرة)	تجزیة الامصار و تجزیة الاعصار
(ابن بی بی)	الوامر العالیة فی الامور العالیة
(محمد بن سلیمان راوندی)	راحة الصدور و آية السرور
(کریم الدین آقسرائی)	مسامرة الاخبار و مسامرة الاخبار
(خواندمیر)	خلاصة الاخبار فی بیان احوال الاخبار
(خواندمیر)	حبیب السیر فی اخبار افراد البشر
(میرخواند)	روضه الصفا فی سیره الانبیاء والملوک والخلفاء
(بناکتی)	روضه اولی الاباب فی معرفة التواریح والانساب
(کمال الدین عبدالرزاق)	مطلع السعدین و مجمع البحرین
(افضل الدین کرمانی)	بدايع الارمان فی وقایع کرمان
(ناصرالدین منشی کرمانی)	سمط العلی للحضرة العلیا
(شرف الدین فضل الله)	المعجم فی آثار ملوک عجم
(محمود هدایت الله)	نقاوة الآثار فی ذکر الاخبار
(معین الدین اسفزاری)	روضات الجنات فی اوصاف مدينة هرات
(میرجمال الدین عطاء الله)	روضه الاحباب فی سیره النبی والال و اصحاب
(ابن عرب شاه)	المعجم فی آثار ملوک عجم
(اعتماد السلطنه)	دُررالتیجان فی احوال ملوک بنی اشکان
(مصلح الدین محمد لاری)	مرآت الادوار و مرقات الاخبار

۲-۳- یافته های پژوهش در ساختار عنوان ها

جدول شماره ۶- ساختار زبانی عنوان ها

بسامد	نوع عنوان
۲۶%	فارسی (عناوینی که کاملاً فارسی یا حداقل یک جزء با ریشه فارسی وجود دارد)
۷۴%	عربی
۱۳%	عناوین تک واژه ای (کوتاه)
۶۳%	ترکیب اضافی (عربی و فارسی)
۲۱%	اضافی (تاریخ+اسم)
۱۵%	اضافی (اسم+التواریخ)
۵%	ترکیب وصفی (مواهب الهی، خلد برین، هشت بهشت، دُرّه نادره، عمل صالح)
۱۸%	عناوین طولانی (بیش از سه واژه)

با بررسی انجام‌شده متوجه می‌شویم که در انتخاب عنوان کتاب‌های تاریخ، گرایش زبانی نویسندگان بیشتر به انتخاب اسم‌ها و عنوان‌ها از نوع ترکیب اضافی (مضاف و مضاف‌الیه) بوده است که بیشتر جنبه توضیحی دارد و محدود ترکیب‌های وصفی به کاررفته هیچ سازگاری با محتوای تاریخی متن ندارند. استفاده فراوان از عناوین عربی برای متن فارسی نشان‌دهنده تأثیر و سلطه زبان عربی بر میراث مکتوب زبان فارسی است. استفاده از عنوان‌های طولانی به شیوه آثار عربی همچون دیگر موضوع‌های نثر فارسی، درصد چشمگیری را به خود اختصاص داده است. استفاده از ساختار نحوی ترکیب اضافی با بسامد بالا در عناوین متون تاریخی، به مناسب بودن این نوع ترکیب در معرفی اثر به مخاطب برمی‌گردد.

۲-۴- سبک ایدئولوژیک واژگان عناوین (ارزش‌گذاری واژگان عناوین)

مورخان برتر معتقدند که بهترین عنوان برای دوره‌های تاریخی، اصطلاحات خنثی و بی‌رنگ و بو است.^{۲۷} به همین دلیل عموماً انتظار بر این است که نگاه تاریخی به وقایع، نگاهی تک‌معنایی باشد و نویسنده حتی‌الامکان باید در ثبت و گزارش حوادث و وقایع تاریخی از جهت‌گیری احساسی، عاطفی و ایدئولوژیک پرهیز کند. این نکته در واژگان و ترکیب‌های انتخاب‌شده برای عنوان نیز صدق می‌کند. اما در دوره‌های مورد بحث ما به دلایل نوع روابط نویسنده با دستگاه قدرت و فرمایشی بودن بخش قابل توجه کتاب‌های تاریخ، عنوان‌ها عموماً بار معنایی جهت‌دار از نوع مثبت به دستگاه قدرت — که خود محور متن است — دارند و عناوین خنثی بسامد کمتری دارند. نمونه دیگر از عنوان‌های جهت‌دار شیفتگی نویسندگان تاریخ‌ها به اثرشان بوده است که عنوان را از دلالت خنثی به دلالت جهت‌دار تبدیل کرده است. نکته دیگر، جهت‌گیری ادبی عناوین است که سبب می‌شود از حالت عنوان یک اثر تاریخی خارج شوند و تداعی‌کننده اثری ادبی شوند. در جدول زیر نمونه‌هایی از این رخداد‌های زبانی در محور عناوین آمده است.

عناوین خنثی فقط وظیفه اطلاع‌رسانی از موضوع و محتوا را دارند و فاقد جهت‌گیری نسبت به متن هستند. در عوض عناوین با جهت‌گیری که غالباً به سمت حاکمیت است و یا نشان‌دهنده شیفتگی تاریخ‌نویس به اثر خود؛ که در نتیجه از نگاه خواننده و مخاطب، جایگاه بیطرفانه خود را از دست می‌دهند.

جدول شماره ۷- جهت گیری در عنوان کتاب‌های تاریخ

عناوین خنثی	عناوین معطوف به قدرت	عناوین معطوف به متن	معطوف به مورخ
روضه‌الصفاء فی سیره‌الانبياء و الملوك والخلفاء	تاریخ عالم‌آرای عباسی	اکسیرالتواریخ	عمل صالح
معدن اخبار	هشت بهشت	ناسخ‌التواریخ	روضه‌الطاهرین
سلجوق‌نامه	مطلع‌السعدین و مجمع‌البحرین	اصح‌التواریخ	فتوحات امینی
منتخب‌التواریخ	دُرّه نادره	افضل‌التواریخ	افضل‌التواریخ
تاریخ بیهقی	تاریخ گیتی‌گشا	جهان‌آرا	
تاریخ برامکه	تاریخ جهانگشا	سمط‌العلی للحضرة‌العلیا	
روضه‌الصفویه	خزاین‌الفتوح	فردوس‌التواریخ	
	تحفة عالم	جامع‌التواریخ	
	عالم‌آرای نادری	زبدة‌التواریخ	
	گلشن ابراهیمی	لب لباب	
	مآثر رحیمی	عالم‌آرا	
	گیتی‌گشا		
	الوامر العلائیه فی الامور العلائیه ^{۳۸}		

همان‌گونه که مشاهده می‌شود عناوین معطوف به قدرت و متن بسامد بیشتری نسبت به عناوین خنثی دارند. البته منظور از خنثی بودن عنوان این است که جهت‌گیری در آن صورت نگرفته است و تنها جنبه اطلاع‌رسانی دارد. اما در عنوان‌های جهت‌دار نویسنده با انتخاب صفات و یا القاب خاص، زبان را از حالت بی‌جهت‌بودن خارج می‌کند و بنابراین تعلق خاطر و گرایش نویسنده به شخصیت یا اثرش در عنوان خودنمایی می‌کند. برای مثال چنگیزنامه و تاریخ جهانگشا هر دو در مورد یک موضوع و یک دوره تاریخی و یک شخصیت بحث می‌کنند؛ در اولی فقط جنبه دلالت و اطلاع‌رسانی صرف مطرح است اما در دومی علاوه بر اطلاع‌رسانی نگاه جهت‌دار نویسنده به شخصیت مورد بحث با صفت جهانگشا نیز دیده می‌شود.

۳۸. این اثر که به گفته خود نویسنده، «مقامات عزمات سلطان اعظم علاء الخلق و الدین کیقباد» را در بر دارد، به فرمان وی

۲-۵- واژگان پرکاربرد در عناوین که بار توضیح تاریخی بودن متن را دارند.
این واژگان در نامگذاری کتاب‌های تاریخ حالت کلیشه‌ای پیدا کرده‌اند و با آنها ساختار نحوی واحدی ساخته شده است.

جدول شماره ۸- بسامد واژگان به کار رفته در عنوان کتاب‌های تاریخ

بسامد	واژگان
۲۱	تاریخ
۱۵	التواریخ
۵	اخبار
۴	فتوح
۴	روضه
۳	طبقات
۲	مرآت
۲	تحفه
۲	مآثر

۲-۶- لایه‌های بلاغی عناوین

زبان تاریخ زبان خبر است؛ اما اگر این اخبار با زبانی ادبی و هنری همراه شود مباحث تاریخی را از حالت خشکی و نقل روایت ملال‌آور خارج می‌سازد، البته این در صورتی است که این جنبه بلاغی هدف اصلی نویسنده نباشد و خللی بر انتقال خبر وارد نسازد. شیوه بلاغی‌ای که بیهقی در نگارش تاریخ خود انجام داد، الگویی برای تاریخ نویسان بعد از خود از جمله جوینی، نسوی و دیگران گردید. هرچند بعدها برخی در این راه مسیر افراط را پیمودند و مباحث تاریخی در زیر انبوهی از صنایع ادبی پنهان ماند؛ این شیوه نگارش ادبی به عنوان‌های کتاب‌های تاریخ نیز منتقل شد و در موارد زیادی تاریخ‌نویسان در انتخاب عنوان اثر خود به شیوه بلاغی روی آوردند. البته به دلیل نوع موضوع و ملزم‌بودن نویسندگان به انتخاب عنوان بر اساس دلالت و محدودیت واژگانی عنوان، تنها از برخی فنون بلاغی (صنایع ادبی) که با محتوای آثار تاریخی تناسب داشت؛ استفاده می‌کردند.

اهمیت بررسی عنوان‌های کتاب‌ها در موضوع خاص از این جهت باید مورد تأکید قرار گیرد که گاه بررسی جمال‌شناسیک عنوان انتخابی برای یک اثر جهت‌گیری فکری مورخ را نشان می‌دهد؛ و از عنوان انتخابی او می‌توان جهت‌گیری و بینش تاریخی او را در اثرش مشخص کرد، به گونه‌ای

که برخی صاحب‌نظران معتقدند: «در جمال‌شناسی نام کتاب‌ها در هر دوره، ساختارهای نحوی مورد علاقه نویسندگان، تم‌ها و موتیوهای^{۲۹} مورد توجه را نشان می‌دهد و هیچ ضرورتی ندارد که برای تحلیل ساختارهای جمال‌شناسیک یک نویسنده و شاعر آثار او خوانده شود، می‌توان از روی نام کتاب‌هایش ذهنیت او را تحلیل کرد.»^{۳۰} زیرا «فنون بلاغی صرفاً با چگونگی بیان اندیشه‌ها سروکار ندارند، بلکه بر چگونگی اندیشیدن نیز تأثیر می‌گذارند و فنون ادبی مختص آثار ادبی نیست و سطح بسیار گسترده‌ای را شامل می‌شوند.»^{۳۱}

در بررسی عنوان کتاب‌های تاریخ با توجه به محتوای آثار و ویژگی ذکر شده آنها، به نوع استفاده از صنایع ادبی و نحوه کاربرد صنایع لفظی و معنوی و بسامد هر یک می‌پردازیم.

۲-۶-۱- صنایع لفظی: با توجه به اینکه در زبان فارسی اولین بار نثرهای مسجع در متون نثر عرفانی به کار گرفته شد و توجه به موسیقی و آهنگین بودن کلام در نثر عرفانی بیشتر از متون دیگر مورد توجه نویسندگان بوده است؛ موفق بودن این تجربه در جذب مخاطب، بعدها مورد استقبال نویسندگان آثار غیر عرفانی از جمله کتاب‌های تاریخ و کتاب‌های تعلیمی هم قرار گرفت. از همین رو استفاده از تناسب‌های لفظی اعم از سجع، ترصیع و جناس در انتخاب عنوان کتاب‌های تاریخ، مورد اقبال نویسندگان بوده است. هر چند باید به این نکته توجه داشت که به خاطر محدود بودن عنوان در محور افقی کلام، عرصه هنرنمایی در این بخش محدود به صنایع خاصی بوده است.

۲-۶-۱-۱- (تناسب‌های لفظی): در عنوان‌های طولانی، استفاده از روش هماهنگ‌سازی یا تسجیع که بر همسانی هرچه بیشتر صامت‌ها و مصوت‌ها استوار است، به یک شیوه و سبک تبدیل شده است؛ به گونه‌ای که به ندرت عنوان طولانی بدون استفاده از این تناسب لفظی دیده می‌شود و با توجه به کاربرد سجع در نثر، بیشترین آثار در این شیوه کتاب‌های نثر هستند تا نظم. هر چند این نوع تناسب، با سجع عبارت‌های درون متن متفاوت است چون عناوین، ساختار جمله‌ای ندارند، اما نمی‌توان تناسب موجود در عنوان‌ها را نادیده گرفت و آن را گونه‌ای از سجع یا ترصیع ندانست و جنبه موسیقایی و شاعرانگی آن را از نظر دور داشت؛ زیرا از یک نظر «موسیقی، علم نسبت‌ها است و شعر جز به موسیقی رسیدن کلام نیست.»^{۳۲}

۲۹. الگوهای معینی که به صورت گوناگون در ادبیات تکرار می‌شوند. سیما داد، فرهنگ اصطلاحات ادبی، (تهران: انتشارات

مروارید، ۱۳۹۰)، ص ۸۵.

۳۰. محمدرضا شفیعی کدکنی، زمینه اجتماعی شعر فارسی، (تهران: نشر اختران، ۱۳۸۶)، ص ۴۴۲.

۳۱. سجودی، ص ۵۳.

۳۲. محمدرضا شفیعی کدکنی، موسیقی شعر، (تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۸۸)، ص ۲۹۴.

در تمام عنوان‌های طولانی که برای کتاب‌ها انتخاب شده است، از تناسب سجع و تناسب واژه‌ها و حروف برای ایجاد موسیقی استفاده شده است؛ مانند: المعجم فی آثار ملوک عجم (شرف‌الدین). تقریباً تمام عناوین طولانی که در بخش قبل به آنها اشاره شد از این شیوه بلاغی بهره برده‌اند. استفاده از این تناسب‌ها در به‌خاطر سپردن نام کتاب‌ها نیز کاربرد مؤثری داشته است.

۲-۱-۲-۶-۲ در مواردی تناسب لفظی در تمام اجزای عنوان دیده می‌شود که هدف نویسنده استفاده از تمام ظرفیت موسیقایی زبان بوده است؛ به گونه‌ای که نیمی از عنوان تکرار کامل نیمه دیگر از نظر موسیقایی و تناسب است. به‌طور مثال در عنوان بدایع الزمان فی وقایع کرمان دو کلمه بدایع و وقایع و زمان و کرمان با هم تناسب کامل دارند. و یا در مسامرة الاخبار و مسایرة الاخبار که نویسنده با ایجاد تناسب در بین مسامرة و مسايرة و اخبار و اخبار هم که با هم سجع متوازی دارند به دنبال آرایه ترصیع بوده است و همچنین در تجزیة الامصار و تجزیة الاعصار و عجائب المقذور فی نوائب التیمور.

۲-۱-۳-۶-۲ به نسبت سجع و ترصیع بسامد بسیار پایینی دارد. الوامر العلانیة فی الامور العلانیة که العلانیة اول اشاره به علاء‌الدین عطا‌ملک جوینی که پیشنهاد نوشتن تاریخ را داده است و دومی اشاره به علاء‌الدین کیقباد از سلاجقه روم است العلانیة دوم در معنی امور بزرگ و مهم نیز معنی می‌دهد.

۲-۱-۲-۶-۲ صنایع معنوی و علم بیان: در بخش صنایع معنوی و علم بیان به واسطه زبان شاعرانه اغلب کتاب‌های تاریخ، استفاده از زبان غیرصریح و رمزی برای توصیف مباحث و اتفاقات اجتناب‌ناپذیر به‌نظر می‌رسد؛ به همین دلیل دلالت ضمنی جایگزین دلالت مستقیم در نشانه‌های عناوین گردیده است که عامل بالابودن بسامد استفاده از علم بیان و صنایع معنوی بدیعی در انتخاب عنوان کتاب‌های تاریخ نیز همین امر است.

۲-۱-۲-۶-۲ استعاره: انتخاب جانشین استعاری، مبتنی بر اصل تشابه یا هم‌ارزی است که خود حاوی بار عاطفی و ارزشی غنی‌ای است که هم بیان و هم دریافت آن، متأثر از بافت فرهنگی کاربرد زبان است.^{۳۳} استعاره رکن اساسی خلاقیت و نمود ویژه فردیت هنری مؤلف است و در عنوان با هدف انگیزش و اقعاع و برانگیختن مخاطب مورد استفاده قرار می‌گیرد.^{۳۴} در بین عنوان کتاب‌های تاریخ علی‌رغم داشتن الگوی‌های رایج و پذیرفته‌شده در انتخاب عنوان که باید دلالت مستقیم را

۳۳. سجودی، ص ۵۶.

۳۴. محمود فتوحی، سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها (تهران: انتشارات سخن، ۱۳۹۲)، ص ۳۳۹-۳۴۳.

در اولویت خود قرار دهد؛ آرایه استعاره بسامد نسبتاً بالایی دارد با این تفاوت که عنوان استعاری به لحاظ ایجاد ابهام و نداشتن قرینه در خود، مانند نشانه رمزگذاری شده است که باید با کشف رابطه آن با متن از آن رفع ابهام کرد. استفاد از عنوان‌های استعاری در کتاب‌های تاریخ پیامد ادبی و هنری شدن نثر این کتاب‌ها از قرن پنجم بود.

در برخی از عنوان‌های استعاری قرینه صارفه‌ای جز متن برای دلالت وجود ندارد. عناوینی از قبیل: نفثة‌المصدر،^{۳۵} خلد برین، تحفة‌الاخیار، تحفة‌العالم، مرآت‌العالم. در این حالت خود کتاب، هم مستعارمنه است و هم قرینه صارفه. گروه دوم، عنوان‌هایی هستند که واژه دوم قرینه صارفه برای لفظ استعاره است. مانند: معدن اخبار، اکسیرالتواریخ، فردوس‌التواریخ، زینة‌التواریخ، خزاین‌الفتوح، سراج‌التواریخ، سمط‌العلی‌للحضرة‌العلیاء، مطلع‌السعدین و مجمع‌البحرین^{۳۶} (دو ابوسعید)، دُرر‌التیجان^{۳۷} فی‌احوال‌ملوک‌بنی‌اشکان. مرآت‌الادوار و مرقات^{۳۸}‌ال‌اخبار (توضیح بعد از استعاره قرینه صارفه است). در گروه سوم عناوین استعاری، یک قرینه ابهامی یا توضیحی وجود دارد که دلالت نشانه بر متن را ساده‌تر می‌کند مانند: روضة‌الطاهرین (نویسنده طاهر سبزواری) دُرّه‌نادره (موضوع تاریخ نادرشاه) و گلشن‌ابراهیمی (در تاریخ ابراهیم عادلشاه). در این موارد بخشی از عناوین «مستعار» هستند و محتوای تاریخی متن و یا شخصیت تاریخی مورد نظر در متن «مستعار منه» آن است. با نگاهی به واژه‌های استعاری به کاررفته برای عنوان‌ها درمی‌یابیم که نگاه نویسنده به تاریخ خود یک نگاه کمال‌گرایانه بوده است و استفاده از واژگانی از قبیل: خلد، تحفه، مرآت، دُر، فردوس، زینة، سراج و غیره بیانگر نگرش خاص و مبین نگاه ویژه تاریخ‌نگاران به تاریخ و به اثر خود بوده است.^{۳۹}

۲-۶-۲-۲- ایهام (اتفاق): در این آرایه نام ممدوح و یا تخلص و لقب نویسنده به شیوه‌ای آورده می‌شود که معنی لغوی آن به ذهن متبادر شود.^{۴۰} برخی از تاریخ‌نویسان از این آرایه به شیوه هنرمندانه

۳۵. این عنوان نامی با مسمی بر این کتاب است، زیرا «نفثة‌المصدر» در لغت به معنی خلطی است که مبتلا به سینه درد، از سینه بیرون می‌افکند و به این‌گونه تنفس خویش را راحت‌تر می‌سازد، نیز به سخنانی گفته می‌شود که بیانگر دردها و تألمات درونی است و گوینده با آنها به عقده‌گشایی و درد دل گوئی و شکوه‌گری می‌پردازد، و با بیان آنها اندوه درون و عقده‌های دل خویش را کاهش می‌دهد. و موضوع کتاب نفثة‌المصدر بیشتر همین عقده‌گشایی‌ها و درد دل گوئی‌ها و شکوه‌گری‌هاست.

۳۶. دو استعاره در یک عنوان به کار رفته‌است. سعدین و بحرین هر دو استعاره از دو شخصیت تاریخی مورد نظر در کتاب

هستند.

۳۷. التیجان به معنی تاج‌ها و دُرر‌التیجان (مروریدهای تاج‌ها) که استعاره‌ای از کتاب است.

۳۸. مرآت (آئینه) و مرقات (نزدبان) هر دو استعاره از کتاب‌اند.

۳۹. سیروس شمیسا، بیان (تهران: نشر میترا، ۱۳۹۲)، ص ۱۶۲.

۴۰. محمد شریفی، فرهنگ ادبیات فارسی، (تهران: نشر نو و معین، ۱۳۸۷)، ص ۸۶.

در نامگذاری استفاده کرده‌اند؛ به گونه‌ای که یک واژه از عنوان با لفظ دیگر عنوان و موضوع تناسب معنایی دارد و از طرف دیگر به نام نویسنده یا حاکم و حامی اثر نیز اشاره شده است و غیرمستقیم هر دو جانب موضوع رعایت می‌شود. همان‌گونه که برخی از شاعران این شیوه را در کاربرد تخلص خود در شعر به کار برده‌اند؛ به گونه‌ای که هم معنی ظاهری و اصلی خود را دارد و هم نشانه تخلص شاعر است.

جدول شماره ۹- عنوان‌های ایهامی

نام اثر	تناسب اول	تناسب دوم
افصح/الاخبار	صفت تفضیلی برای تاریخ	اشاره به تخلص نویسنده که افصح است
عمل صالح	تناسب صفت صالح با عمل	نام نویسنده محمد صالح کنبو
مختصر مفید	مفیدبودن در عین اختصار	نویسنده محمد مفید
روضه الطاهرین	باغی برای پرهیزگاران	نویسنده محمد طاهر سبزواری
شرفنامه	تقلید از اثر نظامی	نویسنده امیر شرف بدلیسی
احسن‌التواریخ	صفت تفضیلی برای تاریخ	حسن بیگ روملو
احسن‌التواریخ	صفت تفضیلی برای تاریخ	حسن بن محمد الخکی
احسن‌التواریخ ^{۴۱}	صفت تفضیلی برای تاریخ	احسن الملوک! لقب آقا محمدخان قاجار
تاریخ محمدی	آقا محمد خان قاجار	نویسنده محمد فتح‌الله بن تقی ساروی
گلشن ابراهیمی	تناسب ابراهیم و گلشن (تلمیح)	تاریخ دوره ابراهیم عادلشاه / ثانی
دُره نادره	مروارید نادر (کمیاب)	تاریخ عصر نادر شاه
افضل‌التواریخ ^{۴۲}	صفت تفضیلی برای تاریخ	نویسنده میرزا افضلی / غلامحسین افضل الملک
زین‌الاخبار	زینت و آرایش اخبار	لقب حاکم زینة الملکه عبدالرشید مودود
مطلع‌السعدین	اصطلاح نجومی سعد و طالع فرخنده	دو سعد: ابوسعید بهادر و ابوسعید گورکانی
ذوالقرنین	دو قرن عربی (دو سی سال)	استعاره از فتحعلیشاه

۲-۶-۳- اغراق و مبالغه: این صنعت ادبی به‌طور معمول در متون حماسی و غنایی کاربرد فراوان دارد و با توجه به دقت و توصیف‌های واقعی که از متنی تاریخی مورد انتظار است، استفاده از صنعت مبالغه و اغراق به جایگاه اثر در نظر مخاطبان و منتقدان به‌عنوان یک تاریخ دقیق و مستند لطمه می‌زند. با این همه در عنوان کتاب‌های تاریخ از اغراق و مبالغه در بسامد بالایی استفاده شده است؛

۴۱. مؤلف می‌گوید در دیباچه قصد داشته است نام کتاب را به نام آقا محمدخان قاجار که او را «احسن‌الملوک» می‌نامید، احسن‌التواریخ بنامد اما فتح‌علی‌شاه که آن زمان ولیعهد بود کتاب را تاریخ محمدی نامیده است. محمد فتح‌الله بن محمد تقی ساروی، تاریخ محمدی (احسن‌التواریخ)، به اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد (تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱)، ص ۲۳.

۴۲. دو کتاب با یک عنوان، یکی مربوط به دوره صفویه و دیگری مربوط به دوره قاجار که القاب نویسندگان هم یکسان است.

در این خصوص می‌توان یکی از دلایل وجود اغراق و مبالغه در عنوان کتاب‌های تاریخ را در راستای رقابت بین تاریخ‌نویسان برای معرفی اثر خود به مخاطب و به‌ویژه عرضه آن به دستگاه قدرت ارزیابی کرد، که هر نویسنده، اثر خود یا حاکم و حامی خود را فراتر از تاریخ‌ها و امیران دیگر می‌دانسته است. نمونه‌های اغراق و مبالغه در عنوان کتاب‌های تاریخ عبارت‌اند از: *زین الاخبار، تاریخ عالم آرا، افصح الاخبار، احسن التواریخ، ناسخ التواریخ، زینة التواریخ، اصح التواریخ، جامع التواریخ، زبدة التواریخ، اکسیر التواریخ، نظام التواریخ، فردوس التواریخ، ذره نادره.*

نمونه‌های اغراق در معرفی شخصیت تاریخی: *مطلع السعدین و مجمع البحرین (دو ابوسعید مورد نظر هم مطلع السعدین و هم مجمع البحرین دانسته شده‌اند.*

۲-۶-۲-۴- **عناوین تلمیحی:** نام‌هایی که با اشاره به یک واقعه یا بخشی از قرآن و یا شعر انتخاب شده‌اند مانند:

گلشن ابراهیمی: لفظ گلشن و ابراهیم می‌تواند اشاره‌ای به واقعه گلستان شدن آتش بر حضرت ابراهیم باشد.

مطلع السعدین و مجمع البحرین اشاره به (سوره کهف آیه ۶۰) *تاریخ ذوالقرنین*^{۴۳} تلمیح به قرآن (کهف آیه ۸۳).

۲-۷- یافته‌های پژوهش در زیبایی‌شناسی عناوین

جدول شماره ۱۰- بسامد صنایع ادبی در عنوان کتاب‌های تاریخ

بسامد	آرایه
۲۱ مورد	سجع و ترصیع
۲۰ مورد	استعاره
۱۵ مورد	ایهام
۱۲ مورد	اغراق و مبالغه
۳ مورد	تلمیح
۱ مورد	جناس

۴۳. واژه ذوالقرنین را از قرآن به عاریت گرفته و مقصودش از ذوالقرنین، فتحعلی‌شاه است که دو قرن حکومت کرد، البته قرن عربی که سی سال است؛ هر چند که حکومت او در سی سال دوم از هشت سال (۱۳۴۲ - ۱۳۵۰) فراتر نرفت و لذا مؤلف، سال‌های باقیمانده از قرن دوم را به ذکر تاریخ حکومت محمدشاه قاجار اختصاص داده است. فضل‌الله خاوری شیرازی، *تاریخ ذوالقرنین*. ج ۱، به تصحیح ناصر افشار، (تهران: سازمان چاپ و انتشارات کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰)، ص ۱۰.

۲-۸- لایه‌های فکری عنوان‌ها (عوامل مؤثر در انتخاب عنوان)

در انتخاب عنوان یک اثر عواملی زیادی دخالت دارند. این عوامل گاه درون‌متنی هستند و گاه فرامتنی، نویسندگان و شاعران بسته به شرایط اجتماعی، سیاسی، نگاه شخصی و غیره بر اساس یکی از الگوها دست به انتخاب و یا ابتکار می‌زنند.

۲-۸-۱- عوامل درون‌متنی: در این حالت موضوع متن و یا ساختار متن و یا شخصیت‌هایی که متن درباره آنها است، به‌طور مستقیم در عنوان دخالت دارد. با نگاهی به برخی از عناوین به‌راحتی می‌توان به محتوا و موضوع اثر پی برد در این آثار گاه عنوان به‌صراحت به موضوع اشاره دارد و گاه به شکل غیرصریح و به شیوه استعاری و یا با استفاده از نمادهای شناخته‌شده، اثر را معرفی می‌کند.

۲-۸-۱-۲- دلالت صریح به متن: سلجوق‌نامه، شاهرخ‌نامه، فارس‌نامه، تاریخ بیهق، تاریخ سیستان، عباس‌نامه، طبقات ناصری، مآثر رحیمی.

در تاریخ زبان و ادب فارسی همیشه بخش فراوانی از متون نظم و نثر از شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زمان خود تأثیر پذیرفته‌اند که امری طبیعی و قابل توجیه است. اما این تأثیرپذیری در همه آثار و موضوعات یکسان و به یک اندازه نیست. در کتاب‌های تاریخ تأثیرپذیری از شرایط سیاسی و قدرت حاکم به نسبت آثار دیگر بسیار بالاست زیرا اثر تاریخی، مستقیم یا غیرمستقیم با حاکمیت سیاسی و دینی وقت در ارتباط است و در مواردی اثر به خواست و سفارش حکومت وقت نوشته می‌شود و حتی اگر در عنوان به آن اشاره نشده باشد در مقدمه این تقدیم و انتساب صورت گرفته است. این انتساب در عنوان اگر در آثار دیگر وجهی قابل توجیه از نظر ارتباط به متن نداشته باشد و عاملی برون‌متنی باشد، در کتاب‌های تاریخ به واسطه موضوعیت‌داشتن حاکم در متن اثر، عاملی درون‌متنی محسوب می‌شود.

۲-۸-۱-۲- دلالت غیرصریح به متن: دُرّه نادره، گلشن ابراهیمی، مطلع‌السعدین، نفثه‌المصدر.

۲-۸-۲- عناوین برگرفته از ساختار و فرم: در این الگو نویسنده یا شاعر اثر را خود فصل‌بندی می‌کند و بر اساس تعداد و یا نام فصل‌ها عنوانی برای اثر خود انتخاب می‌کند. هرچند این شیوه متناسب با ساختار بیرونی کتاب است اما در اغلب موارد معرف محتوای اثر نیست و خلاقیت نویسنده بیشتر در انتخاب عناوین بخش‌های کتاب است که قرار است در عنوان بازتاب داشته باشد.

جدول شماره ۱۱- عنوان‌های برگرفته از ساختار متن

عنوان	ساختار متن / تعداد بخش
هشت بهشت (تاریخ آل عثمان)	درباره هشت پادشاه عثمانی
طبقات ناصری	در بیست و سه طبقه
خلد برین	در هشت روضه (۸ طبقه یا در بهشت) تناسب با خلد
طبقات اکبرشاهی	در نه طبقه
طبقات شاهجهانی	در ده طبقه

۲-۸-۳- عوامل برون‌متنی: گنجاندن نام نویسنده، تقلیدها و تکرارها و همچنین استفاده از شیوه‌های بلاغی از عوامل برون‌متنی مؤثر در عنوان کتاب‌های تاریخ هستند که در بخش‌های دیگر مقاله به آنها اشاره شده است.

۲-۸-۳-۱- نام صاحب اثر در عنوان: قرار گرفتن نام نویسنده در عنوان‌ها اغلب به دو صورت صریح و یا غیرصریح یعنی به صورت «قصد الوجهین» (ایهام) اتفاق می‌افتد؛ که هم به موضوع اثر اشاره دارد و هم نام پدیدآورنده در آن است.

الف) صریح: تاریخ بلعمی، تاریخ بیهقی، فتوحات امینی (که البته کژتابی دارد)، مجمل فصیحی، تاریخ حقی. که تاریخ با نام نویسنده شناخته می‌شود.

ب) غیر صریح: مختصر مفید (محمد مفید)، احسن التواریخ (حسن روملو)، افصح الاخبار (افصح تخلص نویسنده) افضل التواریخ (میرزا افضلی یا افضل‌الملک)، شرفنامه (شرفخان بدلیسی)، عمل صالح (محمد صالح)، روضة الطاهرین (طاهر سبزواری). همانگونه که در بخش ایهام اشاره شد نویسند با استفاده از شگرد آرایه ایهام نام خود را در عنوان گنجانده است.

۲-۹- آسیب‌شناسی نامگذاری در کتاب‌های تاریخ

در این بخش از بررسی عنوان کتاب‌های تاریخ به آسیب‌های موجود در عنوان‌ها که پیامد آن نارسایی، ناسازگاری با محتوا و نداشتن جذابیت است، پرداخته می‌شود. در این بخش همچنین به عوامل ایجادکننده این آسیب‌ها اشاره می‌شود.

۲-۹-۱- دوگانگی زبان عنوان و متن: بخش عمده عنوان‌های متون نظم و نثر ما تا دوره مشروطه به زبان عربی است که میراث دوره نفوذ مطلق زبان عربی در محدوده سه قرن اول

هجری در ایران است؛ به دلایل فروپاشی ساختار سیاسی و به دنبال آن فروپاشی همه ساختارهای فرهنگی و اجتماعی و مهجورشدن زبان فارسی از یک طرف و حاکمیت زبان عربی در تمام مراکز قدرت سیاسی و دینی از طرف دیگر، ناگزیر نویسندگان و شاعران ایرانی آثار خود را به زبان عربی می‌نوشتند تا هم مخاطبان گسترده‌تری داشته باشند و هم در فضای سیاسی حاکمیت اعراب که در چند قرن اول به فعالیت فرهنگی با نگاه شک و تردید می‌نگریستند، بتوانند برای خود فضای فعالیت ایجاد کنند. هرچند پس از مدتی نویسندگان و شاعران ایرانی نگرارش و سرودن به زبان فارسی را آغاز کردند اما وجود عنوان عربی برای متون فارسی تا دوره مشروطه به شکل فراگیر و گسترده باقی ماند. این امر که احتمالاً در ابتدا به جهت غالب و فراگیربودن زبان عربی نسبت به زبان فارسی، حالت معرفی اثر به غیرفارسی‌زبانان را داشته است و در حکم چکیده متن به زبان علمی روز جهان اسلام بوده است؛ اما پس از مدتی به یک شیوه رایج که نشانه‌ای از فضل‌فروشی نویسندگان بود تبدیل شد. از بین صد اثر منتخب تاریخ تنها بیست و شش درصد عناوین آثار به فارسی هستند و یا ساختار نحوی فارسی دارند.

۲-۹-۲- نارسایی عنوان (مطابق نبودن عنوان با محتوا): برخی از عناوین انتخابی، تناسبی با محتوای اثر ندارند که این امر نشان دهنده نبود اهتمام جدی و همچنین نبود ذوق هنری نویسنده و یا شاعر در انتخاب نام مناسب بوده است.

عناوینی مانند: *مواهب الهی*^{۴۴} (در تاریخ آل مظفر)، *دلگشانا* (در اخبار مختار ثقفی)، *روضه الطاهرین*^{۴۵} (در تاریخ عمومی)، *خلد برین* (در تاریخ عمومی)، *جامع مفیدی* (تاریخ یزد)، *تحفة الاخيار* (تاریخ عمومی)، *برهان الفتوح* (تاریخ عمومی)، *تاریخ الفی*^{۴۶} (تاریخ عمومی)، *عمل صالح* (در پادشاهی شاهجهان) و *دستور شهریاران*^{۴۷} (در پادشاهی سلطان حسین صفوی). که هیچ

۴۴. نویسنده درباره نام کتاب در مقدمه می‌گوید: «این همایون‌نامه به حسب اشارت مبارک شیخ سالک، ابراهیم الزرقانی در شیراز *مواهب الهی* نهاده شد.» معین‌الدین یزدی، *مواهب الهی* (در تاریخ آل مظفر)، تصحیح سعید نفیسی، ج اول، (تهران: چاپخانه اقبال، ۱۳۳۶). ص ۱۹.

۴۵. کلمه روضه در این عنوان علاوه بر اینکه عنوان عمومی بر کتاب‌های تاریخی است، ماده تاریخ نوشتن کتاب نیز محسوب می‌شود و به حروف ابجد معادل سال ۱۰۱۱ ق سال نوشتن کتاب است. عنوان کتاب به لحاظ داشتن ابهام تناسب و ماده تاریخ، به حالت معماً درآمده است. ذبیح‌الله صفا، *تاریخ ادبیات در ایران*، ج ۵، بخش ۳، (تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۸۰). ص ۱۷۰۲.

۴۶. چون کتاب در حدود سال ۱۰۰۰ ق و در تاریخ هزار ساله اسلام نوشته شده است به این نام نامیده شده! همان، ج ۵، بخش ۳، ص ۱۵۵۵.

۴۷. نویسنده در دیباچه هدف از نوشتن کتاب را تهیه سرمشق و دستورالعملی برای مملکت‌داری عنوان می‌کند اما در عمل وقایع پنج سال اول حکومت سلطان حسین صفوی را از سال ۱۱۰۵ تا ۱۱۱۰ ق می‌نویسد. محمدابراهیم نصیری، *دستور شهریاران*، به کوشش محمدنادر نصیری مقدم، (تهران: انتشارات بنیاد موقوفات افشار، ۱۳۷۳). ص ۱۳.

اطلاعاتی دربارهٔ موضوع اثر نمی‌دهند و در مواردی حتی تاریخ‌بودن متن نیز از روی عنوان اثر قابل دریافت نیست.

۲-۹-۳- تقلیدی بودن عنوان: یکی از آسیب‌های موجود در نامگذاری کتاب‌های تاریخ، تقلید از عنوان نوشته‌های پیشین است. این تقلید گاه از اثری با محتوای همسان صورت می‌گیرد و گاه از آثاری با محتوا و موضوع متفاوت؛ که در هر صورت نشانهٔ عدم اهتمام جدی صاحب اثر برای انتخاب نام اختصاصی و مناسب برای اثر خود است و یا اینکه شاعر یا نویسنده تحت تأثیر نام اثر شاخص قبل از خود قرار گرفته و نتوانسته است خود را از جذابیت و وسوسهٔ نام قبلی رهایی بخشد. در این بخش با عنوان‌هایی برخورد می‌کنیم که عیناً برای دو یا سه کتاب تاریخ انتخاب شده‌اند و به صورت موتیو (الگوی کلیشه) درآمده‌اند مانند: احسن‌التواریخ (۳بار)، ظفرنامه (۳بار)، فردوس‌التواریخ (۲بار)، شاهنامه (۳بار) و افضل‌التواریخ (۲بار).

تقلیدها گاه ناقص‌اند و تنها بخشی از عنوان مورد تقلید یا اقتباس قرار گرفته است مانند: *مجمل‌التواریخ* (گلستانه) اقتباس از *مجمل‌التواریخ و القصص و کتاب‌های طبقات فارسی* که همگی از عنوان *کتاب طبقات واقدی* تقلید شده‌اند و واژه‌هایی مانند: اخبار، ذرر، مرآت، مختصر، منتظم، فتوح و تیجان نیز همگی از عناوین کتب تاریخ عربی اقتباس شده‌اند.

۲-۹-۴- چندنامی بودن: یکی از نابسامانی‌ها و آسیب‌های موجود در عنوان آثار فارسی وجود دو و گاهی سه عنوان برای یک اثر می‌باشد. این امر ناشی از چندین عامل است که لزوم تغییر نام و یا چند نامی را برای یک اثر موجب شده است؛ از این عوامل اند: رضایت‌نداشتن صاحب اثر، طولانی بودن عنوان، تکلف، ناسازگاری با محتوا (نارسایی در معرفی متن)، وجود عنوان مشابه، دخیل کردن ساختار و محتوا در عنوان. تغییر نام گاه از جانب خود نویسنده صورت می‌گیرد و گاه از جانب مخاطبان اعمال می‌گردد و این تغییرها معمولاً در جهت جایگزینی نام نویسنده یا موضوع کتاب انجام می‌شود.

جدول شماره ۱۲- کتاب‌های تاریخ که چند نام دارند

اثر	نام دوم	نام سوم	علت تغییر
اعلام‌الملوک	راحة الصدور و آية السرور	-	نداشتن تناسب موسیقایی (نارسایی هر دو عنوان)
شهنشاهنامه	چنگیزنامه	-	کلی و تکراری بودن

اثر	نام دوم	نام سوم	علت تغییر
عمل صالح	شاهجهان‌نامه	-	غیر مسمی و نارسا بودن
خزاین‌الفتوح	سرورالروح	تاریخ علایی	نارسایی عنوان در دو مورد اول
شاهنامه هاتفی	اسماعیل‌نامه	-	کلی بودن و تکراری بودن
ظفرنامه	تمرنامه	-	تکراری و کلی بودن
زین‌الخبار	تاریخ گردیزی	-	نارسایی، تغییر از جانب مخاطب به نام نویسنده
کشف‌الغریب	رساله مجدیه	-	نارسایی تغییر به نام نویسنده
بدایع‌الزمان فی وقایع کرمان	تاریخ افضل	-	طولانی بودن
تجزیة‌الامصار و تجزیة‌الاعصار	تاریخ و صاف	-	طولانی بودن و تکلف تغییر از جانب مخاطب
حبیب‌السیر فی اخبار افرادالبشر	حبیب‌السیر	-	طولانی بودن نام (اطناب)
روضه‌اولی‌الالباب فی معرفة‌التواریخ و الانساب	تاریخ بناکتی	-	
احسن‌التواریخ	تاریخ محمدی	-	تکرار / وجود سه اثر با این نام
تاریخ همایونی	تاریخ ابراهیمی	-	عدم تناسب با متن (تاریخ عمومی)
گلشن ابراهیمی	نورس‌نامه	تاریخ فرشته	تغییر به نام نویسنده از سوی محققین نام اول نارسا و دومی هندی است
نسخ جهان‌آرا	تاریخ جهان‌آرا	-	نارسایی نام اول بر اساس ساختار اثر (سه نسخه/ فصل)
جامع‌التواریخ	تاریخ رشیدی	-	کلی بودن نام اصلی تغییر به نویسنده
تاریخ بیهقی	تاریخ مسعودی	-	از طرف مخاطب به خاطر ارتباط با بخش باقیمانده اثر
هشت بهشت	تاریخ آل عثمان	-	ابهام در نام اصلی
المعجم فی آثار ملوک عجم	تاریخ معجم	-	اطناب
ذکر الملوک فی اخبار سلاطین هند	تاریخ حقی	-	اطناب تغییر به نویسنده
جهانگشای خاقان	عالم‌آرای صفوی	عالم‌آرای شاه اسماعیل	تغییر از کل به جزء برای دلالت دقیق

۲- ۹- ۵- طولانی بودن عنوان: عنوان‌هایی طولانی با گذشت زمان بر اساس اصل کم‌کوشی زبانی از حالت اطناب به حالت ایجاز تغییر می‌کند. این تغییر نام اغلب از جانب مخاطبان و پژوهشگران در گذر زمان اتفاق می‌افتد تا دلالت عنوان به متن مسمی‌تر باشد. در بخش قبل جدول شماره ۱۲ به نمونه‌هایی از آن اشاره گردید.

۲-۹-۶- **تکلف و تصنع:** در برخی از عنوان‌ها از واژگان ناآشنا و غریب استفاده شده است که پیامد آن مخاطب‌گریزی است. این عناوین نشانه‌هایی از اظهار فضل نویسنده است و مطابق نثر و سبک متکلفانه متن انتخاب شده و برای مخاطب عادی نامأنوس است. *مسامرة الاخبار* و *مسایرة الاخبار*، *تجزیة الامصار* و *تجزیة الا عصار*، *سمط العلی للحضرة العلیة، دُررالتیجان فی احوال ملوک بنی اشکان، مرآت‌الادوار و مرقات‌ال اخبار*.^{۴۸}

۲-۹-۷- **کلی بودن عنوان:** یکی دیگر از آسیب‌هایی که در نامگذاری کتاب‌های تاریخ دیده می‌شود کلی بودن عنوان است که در ارتباط میان دال و مدلول حاکم بر نشانه اخلاص ایجاد می‌کند. این امر از آنجا ناشی می‌شود که تاریخ‌نویسان در غالب موارد در نوشتن تاریخ عمومی، موضوع تاریخ خود را از آدم تا دوره حیات خود انتخاب می‌کردند و عنوانی هم که انتخاب می‌شد بسیار کلی‌تر از متن و موضوع اثر بود. این عناوین نه معرف دوره زمانی خاص و نه شخص و یا سلسله مشخص است.

نمونه‌هایی از قبیل: *حبیب‌السیر فی اخبار افرادالبشر، جامع‌التواریخ، تاریخ گزیده، نظام‌التواریخ، ناسخ‌التواریخ*.

۲-۹-۸- **عنوان‌های فربه‌تر از متن:** در برخورد با عنوان‌های کتاب‌های تاریخ گاه با مواردی برخورد می‌کنیم که عنوان انتخابی به هیچ وجه در حد و اندازه‌های متن نیست و بر اساس اغراق و مبالغه و یا خودشیفتگی نویسنده انتخاب شده‌است و گذر زمان و بررسی منتقدان، امروزه خلاف جایگاه ادعایی عنوان انتخابی را نشان می‌دهد.

عنوان‌هایی از قبیل: *ناسخ‌التواریخ*^{۴۹}، *اکسیرالتواریخ*، *افضل‌التواریخ*، *مرآت‌العالم*، *اصح‌التواریخ*، *زینة‌التواریخ*، در حالی که برخلاف عناوین پرطمطراقی که برخی از شاعران و نویسندگان برای آثار ضعیف و اغلب تقلیدی خود انتخاب می‌کنند، نویسندگان و شاعران بزرگ در موارد بسیار به انتخاب عنوان‌های ساده اکتفا کرده‌اند. در این موارد محتوا و موضوع آنقدر شاخص و پربار است که اسم ساده و معمولی به اسم خاص و مشهور تبدیل می‌شود. مقایسه عناوین همانند: *تاریخ بیهقی، نفثة المصدور، مجمل‌التواریخ و القصص و تاریخ جهانگشا* با عنوان‌های قبل، گویای این مطلب است.

۴۸. واژه‌ها نامأنوس: مسامره: با هم قصه گفتن باب مفاعله (سمر) مسایره: با هم رفتن باب مفاعله از (سیر) امصار: جمع مصر (شهرها) تجزیه: گذشتن روزگار دُرر التیجان: مرورید تاج سبط: رشته مرورید مرقات: نردبان.
۴۹. برخی از منتقدان، این کتاب را سترگ و ارزشمند می‌دانند و برخی به سبب وجود لغزش‌هایی فاحش آن را منسوخ‌التواریخ! می‌نامند. رسول جعفریان، *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه*، (قم: انتشارات انص اریان، ۱۳۸۳)، ص ۳۶. نکته مهم اینکه کتاب مذکور ناسخ هیچ کتاب تاریخ دیگری نیست.

۳- نتیجه‌گیری

با بررسی عنوان کتاب‌های تاریخ مشخص گردید که بخش اعظم عنوان‌های انتخاب‌شده برای کتاب‌های تاریخ تا دوره مشروطه به زبان عربی است که میراث دوره عربی‌نویسی در ایران است. متون تک‌نگاری، عنوانی کوتاه و با دلالت صریح دارند و کتاب‌های تاریخ که دوره زمانی گسترده‌تر و یا در تاریخ عمومی نوشته شده‌اند، عنوان‌های طولانی‌تر و کلی‌تری برای معرفی خود دارند و علی‌رغم طولانی‌بودن عنوان، دلالتشان غیرصریح است. بیشترین آمار در ساختار زبانی عنوان‌ها ترکیب‌های اضافی است.

در بخش زیبایی‌شناسی نام‌ها که برگرفته از نثر شاعرانه و متکلفانه برخی از متون است، آرایه‌های لفظی سجع و ترصیع و در صنایع معنوی استعاره، ایهام و مبالغه بیشترین بسامد را دارند؛ که این امر منجر به ایهام در دلالت و عدم صراحت در دلالت نشانه شده است.

در بررسی نشانه‌شناسی عنوان‌های کتاب‌های تاریخ مشخص گردید که در انتخاب عنوان‌ها عوامل درون‌متنی بیشترین تأثیر را داشته است که با هدف کتب تاریخ سازگاری بیشتری دارد؛ زیرا در کتاب‌های تاریخ برخلاف متون دیگر، حاکمان و دستگاه قدرت، خود بخشی از متن هستند. در مرتبه دوم نام نویسندگان تاریخ بیشترین سهم را در عنوان‌ها دارد.

در بخش چشمگیری از عنوان‌های آثار غیرشاخص، مبالغه به کاررفته از سوی نویسنده، عنوان را فراتر و فربه‌تر از متن قرار داده است که با شیوه تاریخ‌نویسی که لازمه آن دقت و واقع‌نمایی است، ناسازگار است. همچنین انتخاب عناوین با جهت‌گیری معطوف به قدرت وقت و یا عنوان‌هایی با جهت‌گیری ارزش‌گذاری بر محتوای اثر از جانب نویسنده، مخاطب را نسبت به جایگاه واقعی اثر دچار تردید می‌سازد.

وجود نام‌های مختلف بر یک اثر، عنوان‌های عربی و گاه متکلفانه و نارسایی در دلالت و اغراق در عنوان از مهم‌ترین آسیب‌های موجود در عناوین کتاب‌های تاریخ محسوب می‌شود.

کتاب‌نامه

۱- منابع فارسی

الف) کتاب و مقاله

- احمدی، بابک. ساختار و تأویل متن. تهران: نشرمرکز، ۱۳۹۳.
- اشپولر، برتولد. «تکوین تاریخ‌نگاری ایران». تاریخ‌نگاری در ایران (مجموعه مقالات). ترجمه و تدوین یعقوب آژند. تهران: نشر گستره، ۱۳۶۱.

- بهار، محمدتقی. سبک‌شناسی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۱.
- جعفریان، رسول. حیات فکری و سیاسی امامان شیعه. قم: انتشارات انصاریان، ۱۳۸۳.
- خاوری شیرازی، فضل‌الله. تاریخ ذوالقرنین. ج ۱. به تصحیح ناصر افشار. تهران: سازمان چاپ و انتشارات کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰.
- خیرآبادی، محمدنبی، مهیار علوی‌مقدم، و احمدخواجه‌ایم. «بررسی فرایند واژه‌سازی در زاد المسافر ناصرخسرو». فصلنامه متن‌شناسی ادب فارسی. شماره ۳۰. تابستان ۱۳۹۵.
- داد، سیما. فرهنگ اصطلاحات ادبی. تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۹۰.
- زرین‌کوب، عبدالحسین. کارنامه اسلام. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۰.
- ساروی، محمد فتح‌الله بن محمدتقی. تاریخ محمدی (احسن‌التواریخ). به اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱.
- سجودی، فرزانه. نشانه‌شناسی کاربردی. تهران: نشر علم، ۱۳۹۰.
- شریفی، محمد. فرهنگ ادبیات فارسی. تهران: نشر نو و معین، ۱۳۸۷.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. زمینه‌های اجتماعی شعر فارسی. تهران: نشر اختران، ۱۳۸۶.
- _____ . «ساختار ساختارها». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی. شماره ۶۵. پاییز ۱۳۸۸.
- _____ . موسیقی شعر. تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۸۸.
- شمیسا، سیروس. بیان. تهران: نشر میترا، ۱۳۹۲.
- صبوری، فاطمه. «پیشگامی تاریخ‌نگاران ایرانی تا قرن پنجم هجری». فصلنامه مشکوه، شماره ۱۰۲. بهار ۱۳۸۸.
- صفا، ذبیح‌الله. تاریخ ادبیات در ایران. ج ۵. تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۸۰.
- فتوحی، محمود. نظریه تاریخ ادبیات. تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۷.
- _____ . سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها. تهران: انتشارات سخن، ۱۳۹۲.
- علوی‌مقدم، مهیار. «زبان ادبی و نظام نشانه‌ها». مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس زبان‌شناسی نظری و کاربردی. به کوشش سید علی میرعمادی. ج اول. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۹.
- کالر، جان‌تان. نظریه‌های ادبی. مترجم فرزانه طاهری. تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۹.
- مکاریک، ایرنا ریما. دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر. مترجم مهران مهاجر و محمد نبوی. تهران: انتشارات آگه، ۱۳۹۰.
- نصیری، محمدابراهیم. دستور شهریاران. به کوشش محمدنادر نصیری مقدم. تهران: انتشارات بنیاد موقوفات افشار، ۱۳۷۳.
- یارشاطر، احسان و آنماری شیمیل. حضور ایران در جهان اسلام. مترجم فریدون مجلسی. تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۸۱.
- یزدی، معین‌الدین. مواهب الهی (در تاریخ آل مظفر)، ج اول. تصحیح سعید نفیسی. تهران: چاپخانه اقبال، ۱۳۲۶.